



بررسی تأثیرات جهانی شدن بر تربیت اسلامی (تهدیدها و فرصت ها)

پدیدآورده (ها) : موسوی، سید رحمان؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال
علوم تربیتی :: بصیرت و تربیت اسلامی :: بهار و تابستان 1391، سال نهم - شماره
21 (علمی-ترویجی)

از 23 تا 42

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1043069>

دانلود شده توسط : کافی نت تخصصی نور

تاریخ دانلود : 20/05/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بررسی تأثیرات جهانی شدن بر تربیت اسلامی (تهدیدها و فرصت‌ها)

سید رحمان موسوی^۱

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۲

چکیده

مفهوم جهانی شدن یکی از جدیدترین مفاهیم دنیای مدرن است که در عصر حاضر نشانگر مسیر حرکت جهان در آینده می‌باشد. فرآیند جهانی شدن یکی از مؤثرترین نیروهای محرکه در پیدایش تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهان معاصر است و تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد. این پدیده با تأثیرگذاری بر فرهنگ دینی جامعه، تربیت اسلامی و دینی را متحول کرده است. بنابراین، شناخت و تبیین تربیت اسلامی در عصر جهانی شدن، و اثرپذیری و اثرگذاری آن اهمیت زیادی دارد. جهانی شدن گرچه فرصت‌های جدید و ظرفیت‌های بالقوه قابل ملاحظه‌ای را به همراه دارد، اما ذاتاً همراه با تهدیدات جدی است. بر این اساس، این نوشتار درصدد است تا تأثیرات جهانی شدن را بر تربیت اسلامی بررسی کند. از مهم‌ترین تهدیدات جهانی شدن در حوزه تربیت اسلامی می‌توان به ساخت‌زدایی تقابلی‌های «دور - نزدیک» و «ممنوع - مجاز»، سکولاریسم و کم‌رنگ شدن مرزهای اعتقادی و مذهبی، گسترش فرهنگ مصرفی و مدگرایی غربی، رواج شک و تردید در ارزش‌های مطلق و مسلم دینی و اسلامی، گسترش تکثرگرایی دینی، آسیب رساندن به هویت دینی و اسلامی و مقابله با اخلاق مذهبی و در نهایت بیگانه کردن انسان از فطرت خداجوی خود اشاره کرد. به‌علاوه، جهانی شدن فرصت‌هایی نیز برای تربیت اسلامی در پی می‌آورد که عبارت‌اند از: توسعه و گسترش نفوذ تربیت اسلامی و دینی با استفاده از ابزار و فناوری‌های تکنولوژیک و اطلاعاتی،

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

۲. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

هماهنگ کردن تربیت اسلامی با مقتضیات زمان، شناخت و استفاده از تبادلات بین فرهنگی و جهانی کردن فرهنگ و تربیت اسلامی. بر این اساس در این نوشتار ضمن شرح و تعاریف متفاوت از مفهوم جهانی شدن و نگرش‌های مختلف به این پدیده و تأثیرات آن در حوزه‌های مختلف، و نیز توضیح مفهوم تربیت اسلامی، ابعاد و ویژگی‌های آن، تهدیدات و فرصت‌های جهانی شدن نسبت به تربیت اسلامی بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، تربیت اسلامی، فرهنگ، دین، فرصت و تهدید.

۱- مقدمه

جهانی شدن فرآیندی گریزناپذیر در قرن بیست‌ویکم است که تمام ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ نیز که یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان‌هاست از جهانی شدن متأثر می‌شود. این پدیده دارای پیامدهای فرهنگی بسیاری است و جوامع، تمدن‌ها و سنت‌ها را به سمت باورهایی سوق می‌دهد که با نهادهای هویتی آنان در تعارض است و بدین ترتیب فشار زیادی بر جوامع وارد می‌شود. در این میان، دین نیز در مقام یکی از عناصر بنیادی فرهنگ انسانی در تعامل با جهانی شدن قرا می‌گیرد. جهانی شدن فرآیندی ناگزیر و اجباری است که هم تهدید و هم فرصتی برای دین و تربیت اسلامی تلقی می‌شود. (سجادی، ۱۳۸۱: ۲) در ادامه این موضوع بیشتر مطالعه و بررسی می‌شود.

۲- جهانی شدن

۱-۲- مفهوم و تعاریف

از دهه‌های پایانی قرن بیستم و سال‌های نخست قرن بیست‌ویکم، دنیا در آستانه دوره تاریخی جدیدی قرار گرفته، گویا جهانی نو در حال ایجاد و رخدادهایی شگرف در شرف وقوع است، که ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در پی این رویدادها صورت‌بندی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف دستخوش تغییرات عمده‌ای شده‌اند. حجم این تحولات در جهان و تأثیرگذاری انکارناپذیر آن بر جنبه‌های مختلف حیات بشری موجب جلب توجه نظریه‌پردازان و اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی برای تحلیل و تشریح این تحولات شده است. هیچ جامعه‌ای در شرایط فعلی نمی‌تواند به تنهایی و بدون تعامل با نظام بین‌الملل و جامعه جهانی به زندگی خویش ادامه دهد. این مرحله

تاریخی که تحت عنوان «جهانی‌شدن» از آن یاد می‌کنند دارای ابعاد مختلفی است و خواه ناخواه و به طرق ملموس و ناملموس بر جوامع تأثیراتی می‌گذارد و منجر به تحولاتی در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ابعاد دیگر شده و به طور کلی تمامی جنبه‌های زندگی افراد بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۴) از طرف دیگر، اندیشمندان مختلف بر پایهٔ مکتب فکری خود به بررسی آن پرداخته‌اند. کسانی جنبه‌های اقتصادی را در نظر گرفته‌اند، گروهی ابعاد سیاسی و عده‌ای دیگر دربارهٔ ابعاد و تأثیرات فرهنگی آن را کاوش، مطالعه و نظریه‌پردازی کرده‌اند. همین امر موجب تکثر تعاریف جهانی‌شدن و نبود تعریف مورد اجماع و واحدی از آن شده است. (همانجا: ۱۵) در ادامه سعی می‌شود تا تعدادی از تعاریف رایج از این مفهوم را بیان کنیم.

- کیت نش^۱: وابستگی فزاینده دولت‌های ملی به یکدیگر.
- آنتونی گیدنز^۲: مجموعه‌ای از تبادلات در حوزه زندگی، عواطف و روابط انسان‌ها با یکدیگر.
- مالکوم واترز^۳: زدوده شدن قیدوبندهای جغرافیایی و افزایش آگاهی نسبت به انسان.
- دیوید هلد^۴: حرکت به سوی گونه‌ای دموکراسی و مردم‌سالاری جهانی.
- دیوید هاروی^۵: گسترش روابط بین دولت‌ها و جوامع و افزایش گسترهٔ انتشار خبر رویدادها.
- اصغر افتخاری: فشردگی شدید زمان و مکان.
- هابرماس^۶: شکل‌گیری نظامی که همراه با زدوده شدن قیدوبندهای جغرافیایی و سرزمینی است (واترز، ۱۳۸۰: ۱۳).
- مانوئل کاستلز^۷: کاهش تصمیم‌گیری و خودگردانی دولت ملی در اجرای جوهر دموکراسی.
- ویلیامز^۸: سربرآوردن گونه‌ای جامعه شبکه‌ای در ادامهٔ حرکت سرمایه‌داری.
- فرهنگ رجایی: افزایش روابط اجتماعی در سراسر جهان.

1. Kate Nash
2. Anthony Giddens
3. Malcom Waters
4. David Held
5. David Harvey
6. Habermas
7. Manuel Castells
8. Williams

■ پل هرست^۱ و تامپسون^۲: مجموعه فرآیندهای مرتبط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی که به گونه‌ای متناقض‌نما سیر می‌کند.

■ رونالد رابرتسون: جریان گسترده و روبه رشد تجارت و به کار افتادن سرمایه در آن. (همانجا: ۱۴)

در مورد پیشینه تاریخی جهانی شدن نیز عمدتاً سه فرضیه را می‌توان مطرح کرد:

الف- جهانی شدن فرآیندی است که ریشه در تاریخ حیات اجتماعی بشر دارد و بنابراین، از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در عصر حاضر شتاب بیشتری به خود گرفته است؛
ب- جهانی شدن همزمان با نوگرایی (مدرنیزاسیون) و توسعه سرمایه‌داری شکل گرفته و اخیراً شتاب و جهش بیشتری یافته است؛

پ- جهانی شدن فرآیندی متأخر و همراه با سایر فرآیندهای اجتماعی نظیر فراصنعتی شدن، فرانوگرایی یا شالوده‌شکنی سرمایه‌داری متأخر است. (آرت شولت، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

۲-۲- نگرش‌های مختلف

نگرش‌های مختلفی در باب تبیین ماهیت و چیستی جهانی شدن وجود دارد که برخی از آن طرفداری و حمایت می‌کنند و برخی به انتقاد از آن می‌پردازند. در کل سه نگرش به جهانی شدن وجود دارد:

۲-۲-۱- جهانی شدن پروسه‌ای تاریخی و ناشی از پیشرفت و انقلاب در تکنولوژی ارتباطات است و پیدایش وسایل ارتباطی مثل تلفن، اینترنت، ماهواره و ... زمینه‌ساز تحقق جهانی شدن تحقق این پروسه محسوب می‌شوند که انسان در قرن ۲۱ شاهد آن است. در چنین وضعیت تکنولوژیک، فرهنگ‌های مختلف در معرض ارتباط و گفت‌وگوی با یکدیگر قرار می‌گیرند و تمدن و فرهنگ مشترک جدیدی از برآیند آنها ایجاد می‌شود. طرفداران چنین نگرشی معتقدند جهانی شدن نتیجه انقلاب تکنولوژیک ارتباطی است و بشر را در وضعیت مطلوب و بهینه‌ای قرار داده است. (بهروز لک، ۱۳۸۱: ۱۴۴)

۲-۲-۲- جهانی شدن پروژه‌ای غربی است که عمدتاً منتقدان جهانی شدن آن را مطرح کرده‌اند. در این نگرش، جهانی شدن همان جهانی‌سازی و به تعبیر دیگر غربی‌سازی و آمریکایی‌سازی جهان است که قصد دارد هنجارها و ارزش‌های غربی را در جهان محقق کند. (همانجا: ۱۴۵)

1. Paul Hirst

2. Thompson

۲-۲-۳- جهانی شدن صرفاً یک پدیده است و در آن مؤلفه‌هایی وجود دارد که لزوماً آنها را نمی‌توان در قالب پروژه یا پروسه تبیین کرد. (همانجا: ۱۴۶) آر جان آپادوریا^۱ در مقاله معروف خود از پنج چشم‌انداز نام می‌برد که همه آنها را نمی‌توان طبیعی یا عمدی و طرح وار تلقی کرد بلکه بخشی از آنها در تشکیل و وسعت بخشی به آهنگ جهانی نقش داشته‌اند. به اعتقاد وی پنج عامل فناوری، ایدئولوژی، سرمایه، قومیت و رسانه‌های ارتباطی وضعیت را ایجاد کرده‌اند که در آن نمی‌توان از انحصار، اختصاص و تکروی سخن گفت. پدیده و فرصت نوظهور نه مطلقاً پیش‌اندیشیده است که بتوان آن را پروژه نامید و نه بدون اطلاع جهانیان مخصوصاً کارگزاران اطلاعات بوده که بتوان پروسه‌اش خواند. نکته ظریف اینجاست که کارگزاران اطلاعات به واسطه اشرف بر پیامدهای روند جهانی شدن از فرصت بیشتری دارند. (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۲) در نگاه کلی به انواع نظریات مطرح درباره جهانی شدن، می‌توان نظریات متعددی را بازشناسی کرد:

الف- جهانی شدن نزد عده‌ای به معنی تغییر ساختار روابط بین الملل است؛ یعنی تغییر نوع بازی، قواعد بازی و بازیگران در صحنه بین الملل است.

ب- برخی جهانی شدن را مترادف با غربی شدن جهان می‌دانند، که در پوشش‌های مختلف سعی در فراگیر کردن ارزش‌های غربی دارد.

پ- بعضی جهانی شدن را آمریکایی شدن جهان می‌دانند؛ یعنی جهانی شدن در مسیر جهان شمول شدن ارزش‌های آمریکایی در حوزه‌های مختلف. (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۹).

ت- گروهی نیز جهانی شدن را پوششی برای سلطه سرمایه‌داری می‌دانند.

ث- برخی نگاه خود به جهانی شدن را، بر ویژگی همگون‌سازی فزاینده این پدیده متوجه کرده‌اند و آن را یکسان‌کننده تمدن‌ها می‌نامند.

ج- در مقابل، عده‌ای جهانی شدن را عامل دورگه‌سازی فزاینده دانسته‌اند؛ چرا که در تجارت، این پدیده، راهبردی برای افزایش منافع و قدرت شرکت‌های چندملیتی است و در حکومت، وسیله ارتقای قدرت و اختیارات دولت است، در حالی که سازمان‌های غیردولتی آن را ابزار تولید ارزش‌های مثبت اجتماعی می‌دانند.

چ- بعضی هم جهانی شدن را برابر با استعمار جدید ملت‌ها می‌دانند. (همانجا: ۶۰)

ح- گاهی جهانی شدن به مثابه یکسان شدن جهان دانسته شده است که جامعه جهانی را

به‌سان بافتنی درمی‌آورد. این یکسان‌سازی شامل بُعد اقتصادی و فرهنگی نیز می‌شود. خ- برعکس برخی از یکسان‌نشدن جهان در پی جهانی‌شدن سخن گفته‌اند و نتیجه رشد آگاهی افراد بشر را پرهیز از تلاش برای یکسان‌سازی می‌دانند. د- بعضی از صاحب‌نظران، میان جهانی‌شدن و مدرنیته و آغاز عصر جدید در پی جهانی‌شدن تمایز قائل‌اند و بعضی جهانی‌شدن را همان مدرنیته و مفاهیمی با محتوای یکسان می‌دانند. (همانجا: ۶۱)

۲-۳- تأثیرات جهانی‌شدن در حوزه‌های مختلف

شکی نیست که وجه اصلی جهانی‌شدن و آنچه مایه موافقت‌ها و مخالفت‌هاست وجه اقتصادی آن است و از این‌رو بجاست که ابتدا با سرچشمه‌های اقتصادی آن آشنا شویم. جهانی‌شدن در واقع بخشی از فرآیند تاریخی تکامل اجتماعی است و به زعم عده‌ای ناشی از ماهیت ذات رشد سرمایه، تلاش برای بقا و کسب بازارهای جدید و سودآور و نیاز به صدور سرمایه از بازارهای اشباع‌شده به بازارهای بکر و بالقوه است که این انتقال سرمایه نتایج مثبت و منفی بسیاری برای کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه دارد، به‌طور کلی می‌توان گفت مبنای اقتصادی جهانی‌شدن نولیبرالیسم اقتصادی است. (قاسمی، ۱۳۸۰: ۵۳)

جهانی‌شدن جنبه‌های واضح سیاسی نیز دارد. جهانی‌شدن در بُعد سیاسی باعث رشد عملکردهای فراملی، رشد محلات و شهرهای جهانی که عملکردهای جهانی را در پی می‌آورد، کاهش اثر ابزارهای سیاسی حکومت، کاهش اقتدار حکومت و به‌طور کلی پیدایش فضای سیاسی جدید است. در بُعد فرهنگی و اجتماعی که عمده‌ترین وجه تعارض و تقابل در فرآیند جهانی‌شدن است مهاجرت و فرار مغزها افزایش می‌یابد که این عامل باعث تغییر شکل جمعیت‌شناختی کشورهای جهان می‌شود. البته جهانی‌شدن فرهنگ اصطلاح تأویل‌پذیری است که از آن تعبیراتی متفاوتی ارائه شده است. یعنی میان کسانی که به مسئله جهانی‌شدن فرهنگ پرداخته‌اند اتفاق نظر وجود ندارد؛ عده‌ای آن را پدیده‌ای محتوم دانسته و نظر داده‌اند که دیر یا زود باید در برابر آن سر تسلیم فرود آورد و پذیرای آن شد. برخی دیگر گفته‌اند که جوامع در قبول یا رد آن آزادند و اختیار دارند که درباره آن تصمیم بگیرند. (محسن‌پور، ۱۳۷۹)

آنهایی که جهانی‌شدن را امری جبری دانسته‌اند اظهار داشته‌اند که جهانی‌شدن به اقتضای تحولات اقتصادی، سیاسی، علمی و گسترش ارتباطات در عصر حاضر رخ نموده است و کشورها لاجرم باید خود را با آن هماهنگ سازند. بر اساس چنین برداشتی، باید پذیرفت که فرهنگی

خاص، سلطه خود را بر اخلاق، هنر، اقتصاد، سیاست و نیز رفتارهای فردی و جمعی انسان‌ها اعمال خواهد کرد و جهان سرانجام صاحب فرهنگی یکسان خواهد شد. اما کسانی که از جهانی شدن تفسیری سلطه‌جویانه ندارد بر این باورند که جهانی شدن به معنی سیطره یک فرهنگ خاص بر جهان نیست بلکه چون انسان‌ها همگی عضو جامعه جهانی هستند، باید به مسائلی که جامعه جهانی با آن دست به گریبان است بیندیشند و برای رفع تنگناها و دشواری‌هایی که افراد بشر با آن روبه‌رو هستند همکاری کنند. اینان ضمن قبول کثرت‌گرایی فرهنگی به مثابه یک واقعیت، گفتگوی میان تمدن‌ها، تفاهم فرهنگی، دستیابی به ارزش‌های مشترک، احترام متقابل، مشارکت بین‌المللی و نیز شکیبایی را تجویز می‌کنند. در همین زمینه عده‌ای گفته‌اند که شکل‌گیری فرهنگ جهانی به افول اضمحلال فرهنگ‌های ملی و منطقه‌ای نمی‌انجامد؛ زیرا فرهنگ‌های بومی دارای نظام ارزشی قدرتمندی هستند و فرهنگ جهانی نمی‌تواند این فرهنگ‌ها را در خود هضم کند. اگر فرهنگی در حال افول است علت آن به ضعف درونی آن فرهنگ مربوط می‌شود تا به ظهور یک فرهنگ جهانی. به هر ترتیب جهانی شدن در بُعد فرهنگی دارای تأثیرات بسیار مهمی است که هر جامعه و فرهنگی برای حفظ و ارتقای خود در میان سایر فرهنگ‌ها باید آنها را بشناسد تا بتواند از جهانی شدن به مثابه یک فرصت بهره‌گیرد. از جمله این اثرات می‌توان به رشد تفاهمات بین‌المللی، افزایش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهانی، کمرنگ‌شدن اثرات فرهنگ بومی و افزایش تأثیر فرهنگ‌های غیربومی اشاره کرد. (همانجا)

۳- تربیت اسلامی

۳-۱- مفهوم تربیت اسلامی

بی‌تردید هیچ دینی به اندازه دین اسلام به تعلیم و تربیت اهمیت نداده است. نخستین سخنانی که بر پیامبر اسلام (ص) وحی می‌شود به او دستور می‌دهد به نام خدا بخواند؛ خداوندی که آفریدگار انسان است و به او نوشتن با قلم را آموخته است. نوشتن و ابزار آن یعنی قلم از دید اسلام چنان ارزشمند است که خداوند به قلم و نوشته سوگند یاد می‌کند.

ارزش و اعتباری که قرآن برای تعلیم و تربیت قائل شده، در سیره پیامبر (ص) نیز جلوه کرده است تا جایی که ایشان خود را معلم خواند و فرمود: «همانا من معلم مبعوث شده‌ام». (داودی، ۱۳۸۴: ۵) در قرآن تزکیه (تربیت) و تعلیم^۱ مهم‌ترین هدف بعثت انبیای الهی به‌ویژه

۱- (سوره مبارکه جمعه/۲: وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ ...)

حضرت خاتم المرسلین (ص) ذکر شده است. سایر انبیاء و رسولان خداوند هم از مهم‌ترین فعالیت‌هایشان تعلیم و تربیت مردم بوده است. (عالی، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

تربیت در مورد انسان عبارت از این است که با کوشش و تلاش‌های سنجیده، برنامه‌دار و مستمر، شخص را که مجموعه‌ای از خامی‌ها و کاستی‌ها و استعداد‌های نهفته است، از رکود و سقوط بیرون آورد و وارد مسیری کند که توانایی‌هایش را به کار اندازد و همزمان موانع رشد را از نهاد او بزداید؛ دقیقاً مانند مواد خامی که می‌توان به بهترین یا به بدترین شکلش درآورد. (باقری، ۱۳۸۰: ۱۷۷)

اما تربیت اسلامی دارای مفهوم خاصی است که از تربیت به معنای عام کلمه جدا می‌شود، و برای آشنایی بهتر با مفهوم آن باید نخست دید که انسان از نظر «اسلام» چگونه موجودی است، و برای چه هدفی آفریده شده است؟ هر تلاشی که برای تحقق آن هدف مؤثر واقع شود، تلاشی تربیتی است، و می‌توان بر آن نام «تربیت» نهاد.

از دیدگاه اسلام، انسان دارای کرامتی است که آفریدگارش به وی بخشیده و به همان دلیل در مقام اشرف مخلوقات، شایستگی یافته که فرشتگان الهی در مقابل او سجده و به منزلت‌اش اعتراف کنند و باز به همان دلیل بسیاری از آنچه در جهان آفرینش می‌توان یافت به جهت تمتع و بهره‌وری او آفریده و در دسترسش نهاده شده است، تا با استفاده از آنها به ادای وظایف و تکالیف خاص خود بپردازد.

وی برای آنکه بتواند هدف از آفرینش خویش را محقق کند، علاوه بر دسترسی به امکانات طبیعت و آفاق هستی، به نیروهای برتری مجهز شده است که به او توانایی انجام کارها و طرح‌ها و نوآوری‌ها را داده و برای اختراعات و ابتکارات استعدادهای بی‌نظیری به او بخشیده شده است، و جمع آمدن این همه استعداد جسمی، ذهنی و روحی در یک جا، او را به موجودی منحصر به فرد و دارای جایگاهی والا در جهان هستی مبدل کرده است. هدف از آفرینش وی آن است که پروردگار بزرگ را با صفات شایسته‌ای بشناسد و وظایف خویش را در برابر او دریابد و بدان‌ها به نیکوترین وجهی عمل کند. (محقق، ۱۳۹۰: ۳)

اولین گام در میسر انجام دادن این تکالیف برای انسان، فراگیری علم و دانش است و این از مهم‌ترین خصوصیات اوست که در بدو آفرینش نیز این ویژگی، برتری او را نسبت به فرشتگان جلوه‌گر کرد. انسان برای دستیابی به علم، گذشته از هوش و ادراک خاص، زمینه‌های فراوانی در جهان پیرامونش دارد که میدان‌های مناسبی برای شکوفایی استعدادها

و توانایی‌های درونی اوست.

علاوه بر فراگیری علم و دانش، سعی و تلاش جدی و مستمر در پرتو آموخته‌ها و استعدادها و پای‌بندی صحیح به موازین و مقررات و کوشش خستگی‌ناپذیر در رسیدن به خواسته‌های مادی و معنوی، از دیگر نیازمندی‌های او در برای انجام وظیفه است.

هر گاه انسان بتواند در این مسیر به‌درستی گام بردارد و بدون وقفه و رکود، به حرکتش ادامه دهد و خواسته‌های مادی و معنوی حقیقی‌اش را برآورده کند و در انجام وظیفه به موفقیت و سربلندی دست یابد، شایستگی می‌یابد که خلیفه خدا در روی زمین باشد و برترین آفریده پروردگار به شمار آید. اما اسلام بر این موضوع نیز تأکید دارد که رسیدن به چنین منزلتی به آسانی و سهولت فراهم نمی‌شود و تحقق بخشیدن به این هدف آرزویی شیرین است، ولی مشکلات و سختی‌هایی در راه است که عده‌ای را در آغاز راه و جمعی دیگر را در نیمه‌های آن به عقب‌گردی زیانبار و دردآور وامی‌دارد. (همانجا: ۴)

کسانی که از پیمودن این مسیر عاجز می‌مانند خواسته یا ناخواسته به پرتگاه مهم‌ترین ویژگی انسانی نزدیک می‌شوند و خوی و صفت حیوانی به خود می‌گیرند. از آن پس، دیگر نه می‌تواند خلیفه خدا باشد، و نه لیاقت دارد که اشرف مخلوقات است و فرشتگان بر او سجده کنند، بلکه به سربازی از سپاهیان شیطان و حیوانی از حیوانات زیان‌رسان مبدل می‌شود که جز بدی و بزهکاری توقعی دیگر از وی نمی‌توان داشت. بدین ترتیب او نه تنها از ایفای نقش خود در تحقق هدف والای آفرینش ناتوان می‌شود، بلکه دیگران را نیز از پیمودن آن مسیر بازمی‌دارد، و برای آنان که قصد اصلاح و نیکوکاری دارند، مزاحمت و مشکل ایجاد می‌کند.

همه انسان‌ها بر سر این دو راهی قرار دارند و بزرگ‌ترین کار در زندگی‌شان انتخاب یکی از این دو راه است، آنها گزینه سومی ندارند و ناگزیرند یکی از این دو راه را برای پیمودن مسیر زندگی برگزینند؛ راه‌هایی کاملاً متفاوت و در خلاف جهت یکدیگر.

توجه به این حقیقت، ضرورت و اهمیت تربیت را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ انسانی بدون تربیت اصیل و درست اسلامی راهی برای نجات، ترقی و اعتلای معنوی نخواهد داشت. بنابراین، معلوم می‌شود که تربیت اسلامی تنها به برنامه‌ریزی و تلاش‌های عملی، انسان را به پیش می‌برد و از سقوط حتمی و اجتناب‌ناپذیر، به دور نگه می‌دارد. در این خصوص، و هر تلاشی که از تحقق چنین هدفی عاجز باشد، می‌توان بر آن هر اسمی نهاد، غیر از اسم تربیت اسلامی (همانجا: ۵)

پس تربیت اسلامی عبارت است از پرورش مستمر و بدون وقفه که صفات شایسته را در انسان پدیدار کند و رذایل را از وی بزدايد تا از این طریق به درجه‌ای نایل گردد که به حق سزاوار کسب مقام خلافت الهی باشد.

۳-۲- ویژگی‌های تربیت اسلامی

تربیت اسلامی دو ویژگی اساسی دارد که آن را از همه شیوه‌های تربیتی دیگر متمایز می‌کند. اولین ویژگی مهم آن این است که اصول کلی آن نه مبتنی بر فکر و تجربه بشری، بلکه مبتنی بر تعالیم آسمانی است و از رهنمودهای الهی الهام می‌گیرد. این درست است که در تربیت اسلامی نیز تجربه بشری تأثیر دارد اما این دخالت تنها در جزئیات و شرح و مقایسه آن است و نه در پایه‌گذاری و ترکیب کلی آن.

به دلیل این ویژگی خاص که در دیگر نظام‌های تربیتی وجود ندارد، معتقدیم بشر راهی به سوی تکامل نهایی نخواهد گشود مگر آنکه به این نظام روی آورد و از این برنامه پیروی کند. دومین ویژگی آن، کامل و همه‌جانبه بودن است؛ به این معنا که در تربیت اسلامی به پرورش همه ابعاد شخصیتی انسان و رشد یکسان و مناسب آنها با هم توجه شده است، تا یک بُعد بر ابعاد دیگر برتری نیابد، و رسیدن به کمال را ناممکن نگرداند؛ به همان گونه که ساختار ظاهری انسان از اجزا و اعضای مختلف به وجود آمده، ساختار کلی شخصیت وی نیز دارای ابعاد مختلف است، و باز به همان گونه که در پرورش سالم و مطلوب وی باید رشد همه اجزا و اعضای وجودش یکسان و با هماهنگی دقیق حفظ شود، در پرورش و رشد کلی شخصیت وی نیز حفظ این برابری ضروری و حیاتی است. (محقق، ۱۳۹۰: ۶)

۴- تهدیدات تربیت اسلامی در عصر جهانی شدن

۴-۱- یکی از خصایص اصلی و شاید مهم‌ترین ویژگی جهانی شدن، ظهور نتایج پدیده‌ای با عنوان «انقلاب ارتباطات» است. هر چند این تحول یا انقلاب، از مدتی پیش آغاز شده، عرصه قرن حاضر، میدان ظهور آثار و پیامدهای آن است.

وجه بارز و چالش‌آفرین انقلاب ارتباطات برای تربیت اسلامی، خصیصه «ساخت‌زدایی» آن است. ساختارهایی عینی و مفهومی که تاکنون با آنها همراه بوده‌ایم و با نظر به آنها تربیت اسلامی خود را سامان داده‌ایم، در برابر موج ساخت‌زدای این قرن، متزلزل می‌شوند. در نتیجه نظام تربیت اسلامی متناسب با آن نیز در معرض تزلزل قرار خواهد گرفت. حاصل این

ساخت‌زدایی، آن است که واقعیت‌ها و مفاهیم متقابل، تقابل خود را از دست می‌دهند. از جمله این ساختارهای واقعی و مفهومی متقابل، که برای تربیت اسلامی نیز اهمیت داشته‌اند، می‌توان از ساختارهای «دور- نزدیک» و نیز «ممنوع- مجاز» نام برد. (باقری، ۱۳۸۰: ۳)

ساختار «دور- نزدیک» گونه‌ای تقابل مکانی است و بر حسب آن، نقاط به دور و نزدیک تقسیم می‌شوند. این ساختار از نظر تربیتی، و به‌ویژه تربیت اسلامی و دینی، تاکنون مهم بوده است؛ زیرا تلاش‌های تربیتی بر آن بوده است که با دور کردن افراد از محیط‌های نامطلوب، آنان را مصونیت بخشد و امکان تحقق تربیت را فراهم آورد. اما تقابلی که در این ساختار مورد نظر بوده است، در عصر ارتباطات، به تدریج ساخت‌زدایی می‌شود. با شکستن این ساختار، دیگر تقابلی میان دور و نزدیک وجود نخواهد داشت. این ساخت‌زدایی حتی در وسایل ارتباطی ساده‌ای چون تلویزیون نیز تا حدی، وجود داشته است؛ برای مثال، فیلم یا گزارشی که واقعیت‌های مربوط به نقطه دوردستی از زمین را به ما نمایش می‌دهد، تا حدی به این ساخت‌زدایی تحقق بخشیده است؛ زیرا دیگر فاصله‌های مکانی، مانع دسترسی نیستند و بنابراین، فاصله مکانی یا زمانی معنایی نخواهد داشت. این شکل از ساخت‌زدایی، به درجات بیشتر و با کیفیتی تمام‌تر در رایانه و شبکه‌های ارتباطی آشکار گردیده است؛ زیرا در حالی که افراد در برابر تلویزیون، به شکلی انفعالی و به دنبال گرداندگان کانال‌های تلویزیونی، فاصله‌های مکانی و زمانی را درمی‌نوردند، در شبکه‌های ارتباطی رایانه‌ای، این کار را به صورت فعال و با رهبری خود انجام می‌دهند. (همانجا: ۴)

ساختار «ممنوع- مجاز» نیز دستخوش این ساخت‌زدایی واقع شده است. این ساختار نیز از جهت تربیتی، تاکنون تعیین‌کننده بوده است. در گذشته پدران و مادران به بچه‌ها اجازه نمی‌دادند که صحنه‌های خشونت‌آمیز یا غیراخلاقی را مشاهده کنند؛ اما پایه‌پای رشد و توسعه وسایل ارتباطی، استحکام این ساختار رو به ضعف گذاشته است. وقتی کودکی مشغول تماشای فیلم یا سرگرم بازی‌های رایانه‌ای است، خواه‌ناخواه منظره‌هایی خشونت‌آمیز می‌بیند و این خشونت‌گاه چون موجی در رفتار کودکان ظاهر می‌شود. این ساخت‌زدایی با توجه به شبکه‌های ارتباطی رایانه‌ای، به مراتب بیشتر و قاطع‌تر می‌شود. به این ترتیب، مرزهای ممنوع و مجاز درنور دیده می‌شود و بسیاری از اموری که در گذشته ممنوع بوده، امروز مجاز یا اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌آید و فضا به گونه‌ای دگرگون می‌شود که بسیاری از امور را به تدریج و در عمل، تحمیل می‌کند؛ چنان‌که گاه والدین می‌گویند، نمی‌شود کودکان و نوجوانان را مهار کرد و آنها را در محدوده امور مجاز نگاه داشت. پس، شرایط کنونی به هر شکل این تقابل‌ها را ساخت‌زدایی

می‌کند. شکسته شدن مرزها و ساختمان‌های تقابلی یادشده، با توجه به مباحث اخلاقی و دینی بسیار مهم است؛ زیرا تربیت اسلامی و دینی، به طور جدی، با حدود و مرزها سروکار دارد. تربیت اسلامی، به یک معنا، تعیین مرزها و مانوس کردن افراد با آنهاست، اگر مرزی وجود نداشته باشد، آدمی می‌تواند به هر کاری مبادرت کند و در این صورت، سخن گفتن از تربیت اسلامی و دینی میسر نخواهد بود. (همانجا: ۵)

۴-۲- بدون شک یکی از اهداف مهم تربیت اسلامی، تشکیل یک هویت دینی و اسلامی است؛ در حالی که جهانی‌شدن با هجوم به هویت دینی و اسلامی در جهت گسترش و رواج خود سود می‌جوید. فرهنگ فعلی حاکم بر انواع ابزارهای ارتباطی نوین، برای کاربرانی که بنیان فکری استواری نداشته باشند هویت‌زاست و نه هویت‌ساز؛ چراکه ارزش‌های زندگی که دین مطرح می‌کند بر آنها حاکم نیست و بدین ترتیب هویت ماشینی جانشین و جایگزین هویت انسانی می‌شود. فرانکل معتقد است که فقدان معنا در زندگی انسان‌ها هر چه بیشتر نمود می‌یابد. احساس بی‌معنایی و خلأ وجودی تا به آنجا می‌رسد که باید آن را اپیدمی (همه‌گیری) عصبیت نام نهاد. حضور ارزش‌ها در زندگی امروز محسوس نیست. با روند جهانی‌شدن مشکل نبود معنا و هویت در زندگی اجتماعی انسان‌ها تشدید می‌شود، به نحوی که می‌توان عصر حاضر را عصری نامید که روزبه‌روز بر شمار انسان‌هایی که از فقدان معنا در زندگی خود شکایت دارند، افزوده می‌شود. (یارمحمدیان، ۱۳۸۲: ۳۱)

۴-۳- در جوامع اسلامی باورهای دینی و نظام ارزشی اسلام، بخش مهمی از هویت مسلمانان را شکل می‌دهد. این هویت خواه‌ناخواه در درون مرزهای اعتقادی و دینی تعریف می‌شود و نوعی مرز بین خود و بیگانه را مشخص می‌کند. هر چند تفاسیر و قرائت‌های مختلف از اسلام در این زمینه دارای تفاوت‌های جدی است، اما این تفاوت‌ها صرفاً پرنگ‌شدن یا کم‌رنگ‌شدن مرز خودی و بیگانه را نشان می‌دهند، هر چند در اصل اینکه بالاخره دین و باورهای اسلامی بخشی از هویت جوامع اسلامی را تشکیل می‌دهد اجماع نظر وجود دارد. با پذیرش این نکته، تفسیری پلورالیستی مطلق از اسلام را پذیرفته‌ایم اما باز هم با هویت مطرح در فرآیند جهانی‌شدن و زدودن مرزهای اعتقادی و مذهبی جوامع در تعارض هستیم و احتمالاً چالش‌آورترین بخش جهانی‌شدن نسبت به اسلام و تربیت اسلامی، خود فرهنگ و اندیشه است. این امر ناشی از نقش زیربنایی فرهنگ نسبت به دیگر ساختارهای اجتماعی است و از سوی دیگر بخش مهمی از فرهنگ نیز متشکل از نظام ارزشی، هنجارها و باورهای دینی جامعه است. (براندا، ۱۳۷۹: ۱۷۷)

۴-۴- شیوه جدید اطلاع‌رسانی با دادن آگاهی‌های جدید، انسان‌های نو می‌آفریند. اطلاعاتی که در عصر دوم رسانه‌ها تولید و عرضه می‌شود، غالباً مخاطبان فراملی و بین‌المللی دارد. انسان‌های بی‌شماری با «دیگران» و «غریبه‌ها» ارتباط برقرار و تبادل اطلاعات می‌کنند. به همین جهت این شیوه اطلاع‌رسانی فرهنگ خاصی (جهانی و غربی) را ترویج می‌کند و مخاطبان اندک‌اندک بیش از آن که خود را متعلق به قوم، فرهنگ و کشور خاصی بدانند، خود را انسانی با تابعیت جهانی و بین‌المللی خواهند نامید و این موضوع ممکن است چالش‌هایی در حوزه تربیت اسلامی ایجاد کند. (سعیدی پویا، ۱۳۸۶: ۴)

۴-۵- همان‌طور که پیش از این نیز عنوان شد برخی جهانی شدن را مترادف با غربی شدن جهان می‌دانند که در پوشش‌های مختلف سعی در فراگیر کردن ارزش‌های غربی دارد. بر این اساس به جای واژه جهانی شدن، به کار بردن اصطلاح جهانی سازی بسیار بامعنا تر به نظر می‌رسد. یعنی فرآیندی که طی آن غرب با روش‌ها و ابزارهای مختلف سعی می‌کند که جهانی را با خود همراه و به یک دهکده واحد تبدیل کند.

کاملاً طبیعی است که در این دهکده واحد جهانی جایی برای فرهنگ‌های قدیمی، سنتی و ارزش‌های به ارث رسیده از آنان باقی نمی‌ماند. آنچه هست تنها فرهنگ مدرن غربی است. لذا دیگر کشورها باید در برابر آن سر تعظیم فرود آورند و خود را با ملاک و معیارهای آن هماهنگ و سازگار کنند. در چنین دنیایی به دستاوردهای فرهنگی سایر ملل و جوامع، برچسب‌هایی همچون خرافه و افسانه می‌زنند. در این میان، دین و مذهب نیز همچون سنت به جامانده از گذشته، برچسب خرافه، افسانه، توهم و خیال‌ناشی از ذهنیات گرفته، به ناچار باید صحنه را به نفع عقل مدرن و ماحصل آن یعنی علوم جدید، ترک کند. لذا در چنین جهان واحدی کاملاً مشخص است که تربیت اسلامی جایگاه چندانی ندارد. اصولاً با در نظر گرفتن مفروضه‌های بنیادین مدرنیسم، تربیت اسلامی و دینی به صورت رسمی در تعارض با ماهیت و اهداف مدرنیته قرار می‌گیرد. به همین خاطر و بنا به سکولار بودن قلمروهای جمعی از جمله نهاد تعلیم و تربیت، پرورش دینی از برنامه‌های رسمی و اصلی آموزش و پرورش جهان واحد خارج خواهد شد. در این صورت، دین به شی‌ای تبدیل می‌شود که باید در موزه تاریخ نگهداری شود یا حداکثر در زندگی فردی حضور منفعلانه داشته باشد. به همین دلیل است که در دوره اقتدار دیدگاه مدرنیسم، تربیت دینی موضوعی است که در کشورهای غالب و مدرن و در کشورهای مغلوب و سنتی (آگاهانه یا ناآگاهانه) از آن غفلت شده است. (شمشیری، ۱۳۸۷: ۵۷).

۴-۶- با توجه به ویژگی‌های عمده جهانی شدن از قبیل فشرده شدن زمان و مکان، ارتباطات سریع، سرعت بروز تغییرات، وجود توأمان فرآیندهای عام‌گرایی و خاص‌گرایی، بسط تنوع فرهنگی و دینی، تغییر ابعاد شناختی و بی‌پناهی و بی‌ریشگی و... می‌توان تصور کرد که در این فضا و شرایط، رابطه میان فهم، عمل و اعتقاد دینی و نیز روابط اجتماعی به دلیل تنوع دریافت‌های دینی و برداشت‌های متکثر از دین، تضعیف و گرایش به هویت‌های غیردینی تأیید و تقویت می‌شود. (پورطهماسبی، ۱۳۸۸: ۱۱۴)

۴-۷- سکولاریسم نیز یکی از پیامدهای جهانی شدن برای حوزه تربیت اسلامی و دینی است. بنا به عقیده کریستوفر وینچ^۱، از جمله پیامدهای جهانی شدن، خارج شدن دین و گزاره‌های دینی از قلمرو جمعی و محصور کردن آن در قلمرو فردی بوده است. به عبارت دیگر، از منظر مدرنیسم که یکی از شاخصه‌های اصلی آن جهانی شدن است، گزاره‌های دینی هیچ نقشی در کشف حقیقت و تبیین پدیده‌های جهان هستی نداشته، لذا نمی‌توانند به درک انسان از هستی و پدیده‌های آن کمک کنند و در نتیجه در کنترل انسان بر پدیده‌ها و به تعبیری حاکمیت وی بر جهان نیز کاملاً بی‌تأثیر هستند. بنابراین، دین در تعیین سرنوشت جامعه مدرن دخالتی ندارد و تنها می‌تواند نقشی عاطفی آن‌هم در حیطه فردی برای انسان دوران مدرن ایفا می‌کند. به همین سیاق، تعلیم و تربیت رسمی جامعه باید مبرا از هرگونه تعالیم دینی و مذهبی باشد. شایان ذکر است این جداسازی تربیت دینی و به‌طور کلی دین از عرصه تعلیم و تربیت، ریشه در نظریه‌ها و دیدگاه‌های اندیشمندانی همچون جان استوارت میل، اگوست کنت و هیوم دارد. هدف هیوم این بود که فلسفه و تربیت را از تاریکی و ابهام برهاند. او بر این باور بود که تربیت و فلسفه باید از تمام اصول ماوراءالطبیعی رهایی یابد. از دیگر پیشروان جدایی تربیت دینی از تعلیم و تربیت رسمی، اگوست کنت است. به نظر وی، دوران مذهب سپری شده است و به همین خاطر بشر می‌تواند تنها با تربیت علمی زندگی کند. جان استوارت میل نیز که از کنت و بنتام بسیار تأثیر پذیرفته بود، به جدایی تربیت از دین تأکید ورزید. (فردریک، ۱۳۷۶: ۷۰)

۴-۸- فرهنگ مدگرایی و مصرفی که ناشی از فرهنگ غربی و پیامد آن است در اثر جهانی شدن گسترش می‌یابد و این در تقابل با اخلاق مذهبی است. این تهدید از اینجا ناشی می‌شود که تربیت اسلامی سعی می‌کند از طریق اخلاق مذهبی افق‌هایی روشن برای رستگاری و هدایت بشری ترسیم کند.

1. Christopher Winch

۹-۴- رواج و گسترش پلورالیسم (تکثرگرایی) دینی نیز یکی از مهم‌ترین تهدیدات جهانی شدن برای تربیت اسلامی است. چراکه پلورالیسم با از بین بردن تمرکز مذهبی، موجب شک و تردید در آموزه‌های مطلق و مسلم دینی و اسلامی و حمایت از نسبی‌گرایی می‌شود. (یورطهماسبی، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

۱۰-۴- جهانی شدن با گرایش افراطی خود به استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی، باعث بیگانگی انسان از فطرت خداجوی خود می‌شود. در حالی که تربیت اسلامی و دینی به دنبال بیدار ساختن فطرت خداجوی انسان بر مبنای آموزه‌های وحیانی خود است. در اثر این تضاد، انسان از شناخت، درک و سازگاری با طبیعت ناتوان می‌شود و نتیجه‌ای جز بیگانگی از خداوند باری تعالی حاصل نخواهد کرد. (شمشیری، ۱۳۸۲)

در اینجا به برخی از عمده‌ترین چالش‌های تربیت اسلامی، ناشی از جهانی شدن، اشاره می‌شود:

- هجوم ضدارزش‌های فرهنگ غرب و بی‌هویت کردن جوامع پذیرا؛
- ترویج تکثرگرایی فرهنگی و دینی؛
- ساخت‌زدایی تقابلی‌های «دور- نزدیک» و «ممنوع - مجاز»؛
- کم‌رنگ شدن مرزهای اعتقادی و مذهبی؛
- علم‌گرایی و پرستش علم؛
- نسبیت‌گرایی و شک و تردید در اصول؛
- دین‌گریزی و انزجار از دین؛
- سکولاریزاسیون و بی‌ربط دانستن دین و دنیا؛
- کم‌رنگ کردن تعلیمات و حیاتی.

۵- فرصت‌های تربیت اسلامی در عصر جهانی شدن

در قبال تمام تهدیدات و چالش‌هایی که جهانی شدن برای تربیت اسلامی به وجود می‌آورد فرصت‌هایی نیز برای آن دربردارد.

۵-۱- جهانی شدن با استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی باعث کاهش فاصله‌ها شده و ارتباط میان افراد را تسهیل می‌کند و بدین وسیله فرصتی را فراهم می‌کند تا نظام و سازمان‌هایی که در جهت بسط و گسترش تربیت اسلامی قدم برمی‌دارند با کارآمدی بیشتری به حیات خود ادامه دهند. بدین ترتیب، تربیت اسلامی می‌تواند با استفاده از موقعیت و ابزارهای تکنولوژیکی

پیش آمده، گستره نفوذ خود را افزایش داده و نیازهای مخاطبان خود را تأمین می‌کند. در واقع این فناوری عصر جهانی شدن است که فرصت‌های جدید را برای نظام‌های آموزشی و تربیت اسلامی فراهم می‌کند تا با بهره‌گیری از این پتانسیل‌ها، بنایی درخور خود و متناسب با مقتضیات زمان برپا کند. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹)

۲-۵- با توجه به اینکه در عصر جهانی شدن هر فردی بنا به ارزش‌های شخصی و احساسات خود، اجزا و قسمت‌هایی از ادیان رقیب را که جذاب‌تر و مفیدتر می‌داند برای خود برمی‌گزیند، و از طرفی دیگر، چون تربیت اسلامی با اصل آگاهی‌بخشی به دنبال افزایش توانایی مخاطبان خود برای ارزیابی و گزینش است، بنابراین ضروری است که تربیت اسلامی به فرصت‌های پیش آمده در مسیر جهانی شدن توجه کند.

۳-۵- مهم‌ترین ویژگی جهان امروز که با نگاهی کوتاه و گذرا به آن دریافت می‌شود وجود تعدد و تنوع فرهنگی در جوامع بشری است. پیش از این تصور می‌شد که اعضای یک واحد سیاسی دارای فرهنگ یکپارچه و مشترکی هستند اما امروز کمتر کسی با مشاهده این وضعیت به تنوع و تعدد فرهنگی اعتقاد و اذعان نداشته باشد. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹) این قابلیت عصر جهانی شدن دو فرصت را برای تربیت اسلامی فراهم می‌کند. از یک سو، با توجه به این وضعیت مخاطبان می‌توانند با فرهنگ‌های دیگر آشنا شده، به تعامل با آنها بپردازند و بر این اساس، تربیت اسلامی می‌تواند با اتکا به فرصت پیش آمده زمینه‌هایی را فراهم کند تا مخاطبان بدون هر گونه تعصب و با استفاده از ابزارهای تکنولوژیک و ارتباطی با فرهنگ‌های دیگر تعامل کنند و با حفظ هویت دینی و اسلامی خود با فرهنگ‌های دیگر نیز آشنا شوند. از سویی دیگر، این ویژگی سبب می‌شود تا انسان برای یک زندگی مشترک با هم‌نوعان خود به ارزش‌ها و اخلاقیاتی کلی و جهان‌شمول سوق داده شود تا از این طریق، حس همدلی و همیاری او ارتقا یافته، توانایی تحمل دیگران و معاشرت با آنها را پیدا کند. شایان ذکر است که مکتب اسلام به دلیل غنای فکری و پویایی خاص خود توان مواجهه با فرهنگ‌ها و ادیان دیگر را در خود دارد. (عطاران، ۱۳۸۳)

۴-۵- فناوری آموزشی زمینه بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با تفکر منطقی و اتخاذ شیوه‌های راهبردی در حل و فصل مسائل را فراهم می‌سازد. با استفاده از تکنولوژی ارتباطی می‌توان در روند جهانی کردن فرهنگ از تعلیم و تربیت اسلامی بهره گرفت. (سجادی، ۱۳۸۱)

۵-۵- آموزش الکترونیکی، تصویری از تکامل آموزش‌های مشارکتی و شخصی در مقایسه با آموزش سنتی است؛ همچنان که تجارت الکترونیکی شکل توسعه یافته تجارت در مقایسه با تجارت

سنتی است. این نظام آموزشی به دلیل داشتن امتیازات بسیار، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و راه‌حلی منطقی برای نظام آموزشی است. از جمله نکات مثبت این نوع آموزش می‌توان به رشد کیفیت آموزش و پرورش، کاهش هزینه‌ها و امکان پذیرش آموزش‌ها و ایجاد مدارس مجازی اشاره کرد که همه این موارد باعث افزایش راندمانهای آموزشی خواهد شد. (محسن پور، ۱۳۷۹: ۸۹)

بدین ترتیب، آموزش مجازی، محیط یادگیری الکترونیکی، یادگیری باز و در کل گسترش و توسعه نظام های آموزشی از راه دور که در نتیجه جهانی شدن پیش آمده است، شیوه‌های آموزش و یادگیری تربیت اسلامی در عصر جهانی شدن را گسترش می‌دهد. (حق پناهی، ۱۳۸۳)

۵-۶- از آنجا که در روند جهانی شدن ارتباطات گسترش می‌یابد و افراد از سراسر دنیا با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و بیشتر در معرض شناخت و ارتباط با سایر افراد جهان قرار می‌گیرند، تفاهمات بین‌المللی ضرورت می‌یابد و یادگیری برای با هم زیستن، هدفی مهم در آموزش و پرورش تبدیل می‌شود. یادگیری برای با هم زیستن مستلزم یادگیری چگونگی ابراز خویشتن و برقراری ارتباط به شکلی مؤثر با دیگران است، و نیز به معنای آموختن حس مسئولیت و سهیم کردن دیگران و مستلزم یادگیری همکاری با دیگران است. از این رو، شناخت سایر فرهنگ‌ها و نحوه ارتباط با آنها ضرورت می‌یابد. لذا این امر فرصتی برای توسعه هر چه بیشتر تربیت دینی و اسلامی پدید می‌آورد. (یونسکو، ۱۳۷۸: ۱۰۰)

۶- جمع‌بندی و پیشنهادها

جهانی شدن به مثابه یک فرآیند گریزناپذیر در قرن بیست و یکم تمام ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. همان‌طور که بیان شد، این پدیده تأثیرات و پیامدهای بسیاری بر حوزه‌های مختلف زندگی انسان‌ها دارد. فرهنگ نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان‌ها، از جهانی شدن متأثر می‌شود. بر این اساس، هدف اصلی در این مقاله بررسی تأثیر پدیده جهانی شدن بر تربیت دینی و اسلامی بوده است. همان‌طور که از بررسی‌های این مقاله مشخص شد، خواسته یا ناخواسته باید پذیرفت که جهانی شدن در عین اینکه ممکن است برای تربیت اسلامی فرصتهایی را دربر داشته باشد تهدیدات و چالش‌هایی نیز ایجاد می‌کند که می‌توان از آن به ساخت‌زدایی تقابل‌های «دور - نزدیک» و «ممنوع - مجاز»، سکولاریسم و کم‌رنگ شدن مرزهای اعتقادی و مذهبی، گسترش فرهنگ مصرفی و مدگرایی غربی، شک و تردید در ارزش‌های مطلق و مسلم دینی و اسلامی، رواج و گسترش تکثرگرایی دینی،

آسیب دیدن هویت دینی و اسلامی و تقابل با اخلاق مذهبی و در نهایت بیگانه نمودن انسان از فطرت خداجوی خود اشاره کرد. علاوه بر این، همان طور که در مقاله بررسی شد، جهانی شدن ممکن است فرصت‌هایی نیز برای تربیت اسلامی پدید آورد که با استفاده از آنها بتوان روند تربیت اسلامی را تسهیل کرد. بر اساس پژوهش حاضر، برخی از فرصت‌های جهانی شدن برای تربیت اسلامی عبارت‌اند از: توسعه و گسترش نفوذ تربیت اسلامی و دینی با استفاده از ابزار و فناوری‌های تکنولوژیک و اطلاعاتی، هماهنگ کردن تربیت اسلامی با مقتضیات زمان، شناخت و استفاده از ارتباطات بین فرهنگی و جهانی کردن فرهنگ و تربیت اسلامی.

به‌طور کلی در زمینه استفاده و بهره‌برداری از فرصت‌های پدیده جهانی شدن برای تربیت اسلامی و خنثی و کمرنگ کردن تهدیدات این پدیده بر تربیت اسلامی، به نظر می‌رسد که دو راه در پیش روی ما قرار دارد:

الف) مواضع مختلف در برابر جهانی شدن را شناسایی کرد و به تجزیه و تحلیل اوضاع پرداخت. به‌طور مشخص سه نوع موضع و واکنش در برابر این پدیده ممکن است وجود داشته باشد: مقاومت و مخالفت؛ تسلیم و انفعال؛ تعامل سازنده و نقادانه با پدیده جهانی شدن، یعنی جذب عناصر مثبت و نقد عناصر منفی آن.

ب) در تأیید موضع سوم و عمل بر اساس آن، می‌توان به خلاقیت و ابتکاراتی دست زد تا جهانی شدن و شرایط اجتماعی موجود کمترین تأثیر را بر تربیت اسلامی و نقش دین در الگودهی به جامعه داشته باشد. عموماً از سه نوع ابتکار در این زمینه می‌توان بهره جست:

۱- ابتکار در سطح فراملی؛ یعنی پدیده جهانی شدن را به منزله پدیده‌ای هدفدار و سوژه‌محور در نظر گرفت و در پی رهبری، مدیریت و هدایت هدفمند این پروژه جهانی بود.

۲- ابتکار در سطح ملی؛ در این گستره، باید جهانی شدن را به مثابه فرآیندی طبیعی در نظر گرفت. از این رو، برنامه‌های تربیتی خاصی را برای هدایت جامعه طراحی کرد.

۳- ابتکارات در سطح فردی؛ یعنی تقویت معیارهای ارزشی درونی و تأکید بر قیدوبندهای درونی برای فرار از فشار ناشی از تربیت متأثر از فرهنگ جهانی شدن.

۷- کتاب‌شناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آرت شولت، یان (۱۳۸۲). نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود

- کریاسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- باقری، خسرو (۱۳۸۰). تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، قم: مرکز تربیت اسلامی.
- ۴- بهروز لک، غلام‌رضا (۱۳۸۱). «مهدویت و جهانی شدن»، فصلنامه انتقادی، فکری، فرهنگی، شماره ۲۵ و ۲۴.
- ۵- تامیلسون، جان (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۶- پورطهماسبی، سیاوش (۱۳۸۸). تبیین رابطه جهانی شدن و تربیت دینی، مجموعه مقالات تربیت دینی.
- ۷- حسینی بهشتی، علیرضا (۱۳۷۹). «تعدد فرهنگی و سیاست»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۶.
- ۸- حق پناهی، محمد و دیگران (۱۳۸۳). آموزش ترکیبی در نظام علمی - کاربردی، مجموعه مقالات دومین همایش آموزشی الکترونیک، تهران: موسسه فرهنگی هنری آشنا.
- ۹- داودی، محمد (۱۳۸۴). «سخن آزین»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۱.
- ۱۰- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰). جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات ثالث.
- ۱۱- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۱). «جهانی شدن و حکومت جهان اسلام»، نشریه کیهان، شماره ۱۷۵۵۶.
- ۱۲- (۱۳۸۳). درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، قم: نشر بوستان کتاب.
- ۱۳- سعیدی پویا، حمیده (۱۳۸۶). «تبیین چشم‌انداز نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در بستر جهانی شدن: فرصت‌ها و تهدیدها»، برگرفته از سایت: <http://teaching.parsiblog.com>
- ۱۴- سلیمانی، محمدرضا (۱۳۸۹). «جهانی شدن: بحران هویت و تضعیف تربیت دینی»، برگرفته از سایت:
- <http://www.eslampajoheshha.nashriyat.ir.node.37>
- ۱۵- شمشیری، بابک (۱۳۸۲). بررسی تحلیل پیامدهای ناشی از گرایش افراطی به آموزش مجازی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، کتاب برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات.

۱۶- _____ (۱۳۸۷). «جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی»، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، دوره جدید، سال پانزدهم، شماره ۳۰.
 ۱۷- شهرام‌نیا، سید امیر مسعود (۱۳۸۶). جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.

۱۸- عالی، مرضیه (۱۳۸۹). «تبیین چالش‌ها و فرصت‌های جهانی شدن برای نظام تعلیم و تربیت ایران»، برگرفته از سایت:

<http://www.migna.ir/khandaniha/amuzesh-va-parvaresh/4125>

۱۹- عطاران، محمد (۱۳۸۳). تحلیل رویکردهای نقادانه بر توسعه فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات، تهران: مدارس هوشمند.

۲۰- قاسمی، علی حسین (۱۳۸۰). جهانی شدن، بایدها و نبایدها، سمینار جهانی شدن و اطلاع‌رسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.

۲۱- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶). جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.

۲۲- مایر، فردریک (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ترجمه محمدعلی فیاض، تهران: انتشارات سمت.

۲۳- محسن پور، بهرام (۱۳۷۹). «نقش تعلیم و تربیت در برخورد با جهانی شدن فرهنگ مدرنیته»، فصلنامه علمی پژوهشی ج ۸. شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان.

۲۴- محقق، محمد (۱۳۹۰). «تربیت اسلامی»، برگرفته از سایت:

http://www.aftabir.com/articles/view/religion/moral/c7c128458_education_p1.php

۲۵- ملبورن، یونسکو (۱۳۷۸). آموزش و پرورش برای قرن ۲۱، گروه مترجمان، تک‌نگاشت.

۲۶- واترز، مالکوم (۱۳۸۰). جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

۲۷- واتسن، براندا (۱۳۷۹). تدریس مؤثر تربیت دینی، ترجمه و تلخیص بهرام محسن پور، مجموعه مقالات تربیت اسلامی شماره ۳، قم، مرکز تربیت اسلامی.

۲۸- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۲). «تأثیرات جهانی شدن بر نظام تعلیم و تربیت و خانواده»، مجموعه روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۲۹۰.